

## تجلی نماز در اعتقادات عامه

دکتر مسعود جلالی مقدم\*

زندگی فردی و اجتماعی ابعاد گوناگون دارد و زندگی عامه با همه سادگی ظاهری آن، از پیچیدگی بی‌نهایتی برخوردار است. از لحظه تولد، بلکه از بارداری و حتی از آرزوی بارداری گرفته تا نامگذاری، گذران دوران طفولیت و جوانی، ازدواج و بچه‌دار شدن، کار و تحصیل معاش، جشن گرفتن، درمان بیماری و... تا مردن و تشییع جنازه و ادامه زندگی در حافظه فردی و جمعی، زندگی پیچیده بشری را می‌سازند که هیچ جامعه‌ای برکنار از آنها نیست و برای عوام و خواص وجود دارد. اما آنچه در کشور ما تعیین‌کننده اصلی جهات در هر زمینه به شمار می‌رود، دین است؛ ذهنیت عامه مردم ایران آکنده از مفاهیم و تعالیم و احکام دینی است.

توده مردمی، با دین می‌خورند، می‌پوشند، می‌خوابند و بیدار می‌شوند. عامه با دین می‌اندیشند، می‌سازند، می‌کارند و با دین جشن می‌گیرند و می‌میرند. آرمان‌ها و آرزوهای این مردم با دین در آمیخته است؛ به طوری که لفظ «ان شاء الله» که در زمان

---

\* دکترای ادیان و عرفان

بیان هر آرزویی به کار می‌رود، معنای اصلی خود را افاده نمی‌کند: عبارت دینی «ان شاءالله» بیانگر محول کردن امور به اراده و مشیت الهی است.

لحظه‌ای که کودک به دنیا می‌آید، باید پیش از هر چیز نام خدا به گوشش بخورد، پس در گوش او اذان می‌گویند و باید اسمی دینی داشته باشد، چون هدف این است که او دیندار باشد. فولکلور یا فرهنگ عامه ما نیز با دین آمیخته است و پرداختن به فولکلور بدون توجه به زمینه‌عموماً دینی آن کاری عبث به شمار می‌رود.

اما دین را نیز ابعادی بسیار متنوع و گوناگون است. دین از فلسفه، کلام و عرفان گرفته تا عقاید عامی‌ترین روستاییان را دربرمی‌گیرد؛ دین از تعالیم عمیق و حیاتی تا احکام عملی جزئی‌ترین امور را شامل می‌شود؛ دین از بحث‌های پیچیده فقهی و اصولی و رجالی تا ساده‌ترین و خالص‌ترین عبادت و راز و نیاز یک چوپان در خلوت و در گستره دشت‌ها را در خود دارد. بخش‌های تخصصی و دشوار مباحث دینی البته به فرهنگ عامه مربوط نیست، ولی در بعد ساده و همه‌گیر دین، آنچه بسیار مورد توجه مردم است، نماز است.

به درستی می‌توان گفت که نماز محوری بس مهم در زندگی عامه مردم ماست. مردم در نماز همه چیزهای خوب را می‌یابند و در نخواندن نماز، آفت و مصیبت و بدی می‌بینند. فرد بی‌نماز معمولاً مطرود و بی‌ارزش شمرده می‌شود و در مقابل با نماز هر گرهی ممکن است گشوده گردد

نماز، در این قسمت از کلیت دین، یکی از مهمترین بخش‌های زندگی مردم را تشکیل می‌دهد. نماز نه تنها رکن دین، بلکه رکن زندگی مردم است؛ نماز تنها تکلیفی

شرعی نیست، بلکه در جزء جزء زندگی مردم نقش دارد. نماز در اندیشه‌ها، احساسات، گفته‌ها، اعمال، آرزوها و نغزهای مردم وارد شده است. بنابراین، به درستی می‌توان گفت که نماز محوری بس مهم در زندگی عامه مردم ماست. مردم در نماز همه چیزهای خوب را می‌یابند و در نخواندن نماز، آفت و مصیبت و بدی می‌بینند. فرد

بی‌نماز معمولاً مطرود و بی‌ارزش شمرده می‌شود، و در مقابل، با نماز، هر گرهی ممکن است گشوده گردد.

آنقدر خاصیت برای نماز می‌شمارند و آنقدر در امور مختلف به نماز متمسک می‌شوند، یا به هر مناسبت نماز می‌خوانند، که دیگر جایی برای تشویق به نماز باقی نمی‌ماند. نماز به هر چیز زندگی پیوسته است، نماز در قلب و روح عامه جای دارد و زندگی مردم را آکنده است. بدینسان هرچه به نماز مربوط باشد، بر حیات فردی و جمعی تأثیر بسیار می‌نهد. مسجد، اذان، قبله و... همه نقش‌هایی تعیین‌کننده در زندگی دارند و آیین‌ها، اعتقادات و رفتار افراد و گروه‌ها را جهت می‌بخشند.

نماز و متعلقات آن با شیواترین و گویاترین صورت ممکن در داستان‌های عامه و حتی قصه‌های کودکان وارد شده و با ظریف‌ترین وجهی در اشعار، متل‌ها و چیستان‌ها مطرح گشته است. نماز و آنچه بدان پیوسته است، ورد زبان مردم در ضرب‌المثل‌ها و قسم‌های ایشان است. نماز و اذان را برای شفابخشی و برای زایمان راحت و سالم وسیله قرار می‌دهند، نماز می‌خوانند تا باران بیاید، نماز می‌خوانند تا حاجاتشان برآورده شود و اگر در خواب ببینند که نماز می‌خوانند، آن را به امور خیر و حسنات تعبیر می‌کنند.

برای تثبیت فرهنگ نماز در جامعه و برای قراردادن نماز در رأس تمامی امور روزمره، بهترین کار توجه به فرهنگ عامه است؛ زیرا در فرهنگ عامه، همه آنچه را که از این لحاظ ما می‌خواهیم، موجود است، و بیش از آن هم هست. با عنایت به فرهنگ عامه می‌توان دریافت که چگونه نماز در دل و جان نفوذ و رسوخ می‌کند و چگونه نماز تمامی زندگی را فرا می‌گیرد. ما از فولکلور بی‌نیاز نیستیم، زیرا فولکلور فرهنگ اصیل و راستین ما را به ما باز می‌نمایاند. امید که این نوشته کمکی باشد به تلاش‌هایی که برای تعمیم و تثبیت فرهنگ نماز در جامعه در جریان است.

آنچه در این نوشتار می‌آید، همگی به فضیلت نماز و متعلقات آن در فرهنگ عامه اشاره دارند، خواه به صراحت بدان پرداخته و یا با کنایه و اشاره موضوع را مطرح کرده

باشند و خواه اعمال و رفتار آدمیان دلالت بر این فضیلت داشته باشد. به همین دلیل تنها به گلچینی از موارد بسیار زیاد اکتفا شده و تنها با اشاره به بعضی از موارد و خودداری از بحث و تحلیل شواهد موجود این گفتار فراهم آمده است.

### نماز در معتقدات عامه

**نماز و متعلقات آن با شیواترین و گویاترین صورت ممکن در داستان‌های عامه و حتی قصه‌های کودکان وارد شده و با ظریف‌ترین وجهی در اشعار، مثل‌ها و چیستان‌ها مطرح گشته است.**

ارج و منزلت نماز در هر جنبه و جزء از فرهنگ عامه رخ می‌نماید و تشویق به نماز در فحوای بسیاری از تمثیل‌ها، آداب، رسوم و... نهفته است. اگرچه این خود بر مردود بودن شخص بی‌نماز دلالت دارد، اما این امر به تصریح نیز در بسیاری از عناصر فرهنگ مردم

ذکر شده است. در اعتقاد مردم، نماز در شرایطی، ارزش بیشتری می‌یابد و در شرایطی ارزشی کمتر و یا گاهی به عللی اصلاً پذیرفته‌شده خداوند نیست.

چون نماز مرتبتی بس والا در زندگی و در حیات فکری مردم دارد، هرچه بدان وابسته و مربوط باشد، قدر و اهمیت می‌یابد؛ وضو و آب و وضو دارای خواص ویژه‌ای است؛ جانماز، مهر و تسبیح کاربردهایی غیر از مورد استفاده اصلی خود می‌یابند؛ مسجد تنها محل نماز خواندن نیست، بلکه آثار خارق‌العاده‌ای می‌توان از آن انتظار داشت؛ پیشنهاد هم به سبب ارتباطش با نماز از توانایی‌های خاصی برخوردار است. با نماز می‌توان حاجات خود را برآورد و به رفع نیازمندی‌های دیگران کمک کرد؛ نماز وسیله‌ای کمکی است برای اینکه مشکلات لاینحل برطرف شوند و مقاصد صعب‌الوصول در دسترس قرار گیرند. برای این مقاصد نمازهای مخصوصی هم طرح شده و کاربرد گسترده یافته‌اند که در این فصل با اشاره‌ای به آنها زمینه را برای بحث‌های اختصاصی‌تر آینده آماده خواهیم کرد.

این تصور که عامه فقط به فکر گذران زندگی روزمره هستند و جهت‌گیری اجتماعی و فکری آنها تنها برای این‌گونه مقاصد است، البته تصور نادرستی است. توده مردم نیز، به تعالی جهات حیاتی خود و تقویت معنویات خویش می‌کوشند و در این راه تعالیم دینی بهترین وسیله حرکت هستند و البته این کوشش در مناطق مختلف به شیوه‌های گوناگون صورت می‌پذیرد.

در ساری این اعتقاد وجود دارد که رعایت برخی امور و به کار بستن بعضی سنن کیفیات برتری را در انسان پدید می‌آورد، از جمله معتقدند که چند چیز ذهن را روشن می‌کند: \* همیشه با وضو بودن، روبه قبله نشستن، فرمان پدر و مادر بردن، روی علماء را دیدن، شب بیدار بودن و به عبادت حق مشغول شدن، به رو خوابیدن، آیه‌الکرسی خواندن، نان سرد خوردن، گوشت خوردن و عدس خوردن و چند چیز هم هست که به عمر آدمی می‌افزاید: نماز شب گزاردن، قرآن خواندن، بسیار یاد خدا کردن، صلوات بر پیغمبر فرستادن، فرمان پدر و مادر بردن، و صدقه دادن.<sup>(۱)</sup>

در فرهنگ عامه سخن در باب فضیلت نماز بسیار است و موارد بی‌شماری وجود دارد که نشان می‌دهد مردم چقدر نماز را عزیز می‌داشته و می‌دارند؛ از جمله برای تأیید نظر خود به اخبار و احادیثی خاص متوسل می‌شوند. برای مثال مردم نوقان مشهد می‌گویند: هر که نماز بامداد بگزارد، محمد مصطفی (ص) او را مدد می‌کند و با خود به بهشت می‌برد، و هر که نماز ظهر بخواند علی مرتضی (ع) او را به بهشت می‌برد، و هر که نماز عصر بگزارد، فاطمه (س) او را به بهشت می‌برد و هر که نماز شام بگزارد، امام حسن (ع) او را به بهشت می‌برد، و هر که نماز خفتن بگزارد، امام حسین (ع) او را به بهشت می‌برد و خدای تعالی او را می‌آمرزد.<sup>(۲)</sup>

تنها صرف نماز خواندن در نظر مردم اهمیت و ارج ندارد، نماز خواندن به وقت نیز مورد تأکید ایشان بوده و است. مردم ممسنی اعتقاد دارند: هر کس فرشته‌ای موکل دارد که شب و روز نماز خواندن وی را ضبط می‌کند و در دفتر می‌نویسد. پس هر کس به موقع نمازش را بخواند، آن فرشته به او دعای خیر می‌کند و به استراحت می‌پردازد. در

غیر این صورت موکل منتظر می‌ماند تا اینکه خسته می‌شود و آن شخص را نفرین می‌کند. اگر بالاخره هم وی نمازش را نخواند، فرشته نومیدانه به آسمان می‌رود. فرشته اولی می‌گوید: «من مهلت دادم و صبر کردم ولی نماز به جا نیاورد، من هم اجرت ثواب نماز را ننوشتم و برگشتم.» به این ترتیب فرشته دوم هم ثواب آن روز یا آن شب را نمی‌نویسد. ولی اگر وی بعداً نماز قضا به جا آورد، فرشته با خوشحالی بالا می‌رود و اطلاع می‌دهد که فلانی قرض خود را ادا کرده است؛ در جای خالی ثواب او را بنویس. این تعبیری است جالب توجه که به مردم توصیه می‌کند نماز را سر وقت بخوانند تا فرشتگان خسته و آزرده نشوند.<sup>(۳)</sup>

با چنین اهمیتی که مردم برای نماز قائل بوده و هستند، طبیعی است که شخص بی‌نماز فردی منفور و مطرود جامعه باشد. به نظر عامه همه چیز از جاندار تا بیجان، زبان به نکوهش چنین فردی باز می‌کنند.

مردم دزفول معتقدند، اگر کسی که نماز می‌خواند صبح زود قصد سفر به جایی کند، اگر اولین شخصی که با او برخورد می‌کند، نمازخوان نباشد، در آن سفرش خیر پیش نمی‌آید.<sup>(۴)</sup>

این نصیحت سالمندان شهیرزادی است که صبح، تا دست و صورت خود را نشسته و نماز نخوانده‌اید، مبادا نزدیک نان بروید، نان کم برکت می‌شود.<sup>(۵)</sup>

این تصور که عامه فقط به فکر گذران زندگی روزمره هستند و جهت‌گیری اجتماعی و فکری آنها تنها برای این‌گونه مقاصد است، البته تصور نادرستی است.

و در بعضی مناطق که کیلویه دستور اکید است که نان را به سگ بده، ولی به بی‌نماز نده.<sup>(۶)</sup>

به این ترتیب عجیب نیست که مردم با ترتیبات خاص و تدابیر ویژه بکوشند که فرزندان‌شان بانماز باشند.

در لاهیجان مراسم جالب توجهی برای پیشگویی وضعیت آینده نوزاد برگزار می‌شود. بچه‌ای که به موقع دندان درمی‌آورد، خانواده‌اش جشنی برپا می‌کنند و اقوام و نزدیکان هریک هدایایی به فراخور حال خودشان می‌آورند. آنها سفره‌ای را که مخصوص بچه است، پهن می‌کنند و اشیایی شامل یک جلد کلام‌الله مجید، آیینیه، جانماز، مهر، تسبیح، خودنویس یا مداد، شانه و وسایل آرایش، قیچی، قرقره، پارچه و دفتر و کتاب روی آن می‌چینند. بچه در میان سفره می‌نشیند و همگی به او نگاه می‌کنند که کدامیک از اشیای روی سفره را برمی‌دارد. اگر قرآن یا جانماز را دست زد یا برداشت، می‌گویند واعظ یا نمازخوان خواهد شد، و اگر قلم و دفتر را برداشت، می‌گویند نویسنده می‌شود و اگر قیچی و قرقره یا پارچه را برداشت، می‌گویند خطاط و آرایشگر خواهد شد.<sup>(۷)</sup>

در نیشابور نیز که فیروزه‌اش معروف است، این عقیده رواج دارد که اگر در وقت نماز انگشتر فیروزه به انگشتان باشد، هر رکعت هفتاد رکعت حساب می‌شود.<sup>(۸)</sup> از عقاید مذهبی مردم نوقان یکی هم این است که اگر کسی در هر مسجد شهر دو رکعت نماز بخواند، در روز قیامت آن مسجد نزد خداوند شفاعت او را خواهد کرد.<sup>(۹)</sup> مهر هم به تبع نماز ارزش و حتی تقدس پیدا می‌کند. مردم مسجد سلیمان معتقدند که در شب اول هر ماه، موقعی که هلال ماه رویت شد، باید دیده‌های خود را ببندند و به مهر نماز، آب، سکه یا سبزی باز کنند.<sup>(۱۰)</sup> در بسیاری از مناطق ایران رسم بوده و هست که موقع سفر رفتن مسافر را از زیر قرآن رد می‌کنند. در دزفول هم اگر فردی از افراد خانواده بخواند به سفر برود، اول باید از زیر قرآن رد شود؛ بدین ترتیب که یکی از افراد خانواده که بدنش کاملاً پاک و وضودار است، قرآن را در سردر حیاط می‌گیرد و آن شخص سه مرتبه از زیر قرآن رد می‌شود و بعد قرآن را می‌بوسد.<sup>(۱۱)</sup>

همچنانکه نماز قداست دارد، متعلقات آن از جمله وضو هم از ارزش و اهمیتی خاص برخوردار است. وضو داشتن در هر حال نوعی فضیلت محسوب می‌شود و به اعتقاد مردم ارومیه وضوگرفتن به هنگام خواب ثواب بسیار دارد. (۱۲) اما تنها این نیست، آب وضو دارای خواصی است و می‌توان از آن ثمرات مختص خودش را برداشت کرد. مردم بوشهر برای اینکه شب راحت بخوابند، هنگام نماز مغرب در ظرفی پاک وضو می‌گیرند و آب آن را به نیت اینکه شب را به راحتی بخوابند، می‌خورند و معتقدند که آن شب دچار هیچ‌گونه ناراحتی نمی‌شوند. در ضمن، برای اینکه صبح به موقع بیدار شوند، به هنگام خواب سوره‌های حمد و توحید را می‌خوانند. (۱۳)

مردم تبریز هم اعتقاد دارند هرکس با آبی وضو بگیرد که روان است، هم وضویش دو برابر ثواب دارد و هم هر گیاهی که با آن آب بروید، پربرت خواهد بود. (۱۴) اما هر وضویی هم مقبول نیست.

چادرنماز و جانماز هم از متعلقات نمازند و کیفیات ویژه دارند و مردم نسبت به آنها اعتقادات و احترامات ویژه‌ای قائلند.

گشایش مشکلاتی که حل آنها به آسانی مقدور نیست، به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد، اما در بسیاری از آنها نماز نقش دارد.

مردم دامغان معتقدند که بخت نیک با نماز منتقل می‌شود، چنانکه در شب زفاف عروس و داماد، هر فردی که با آنها نماز بخواند، حاجتش برآورده می‌شود. (۱۵)

نماز با مسجد پیوسته است و مسجد با مناره، پس مناره مسجد هم می‌تواند مشکل‌گشا باشد.

در کاشان، اگر برای کسی مشکلی پیش بیاید و رفع آن مشکل ممکن نشود، کاغذی را نزد آقای همان محل می‌برند و آن آقا کاغذ را به نام امام زمان (عج) می‌نویسد و در آن نامه تقاضای رفع مشکل می‌کند. سپس صاحب‌نامه آن کاغذ را تا می‌کند و دورتادور آن

را با گلی از خاک قرمز که خاک پاکی است، می‌چسباند. آنگاه بر سر چاهی به نام صاحب‌الزمان می‌رود و دو رکعت نماز حاجت به نیت رفع مشکلش می‌خواند و کاغذ را در چاه می‌اندازد.<sup>(۱۶)</sup>

حتی نماز برای رفع مشکلات جسمانی نیز می‌تواند مفید باشد. یکی از نمازها که به ویژه برای برآورده شدن حاجت و رفع مشکلات لاینحل و رسیدن به مراد و مقصود خوانده می‌شود و آدابی مخصوص به خود دارد، نمازی است که اهالی شوشتر می‌خوانند و مراسم آن به قرار زیر است: ابتدا باید گفت که این آیین در روزهای شنبه و چهارشنبه انجام می‌شود و بعلاوه مخصوص زنان است.

پیش از نماز باید «قند و کنجد» درست کنند. به این ترتیب که کنجد را می‌خیسانند، تا پوست آن جدا شود، سپس سرخ می‌کنند و بو می‌دهند و با شکر می‌کوبند و مخلوط می‌کنند.

یک زن که واجد شرایط است، شب قبل نیت می‌کند و روز نماز خواندن هم باید روزه باشد. یک اتاق را تمیز و پاک می‌کنند و در آن فرش می‌اندازند. آینه بزرگی به دیوار مقابل نمازگزار تکیه می‌دهند و یک مَجْمَعَه (سینی مسی بزرگ) مقابل آینه می‌گذارند که محتوی قند، کنجد، پسته، آرد گندم، نمک، حنا و یک پارچه سبز رنگ نازک است. در دو طرف مجمعه، بُلْبُلَه (کوزه‌ای که دو لوله کوچک شبیه آفتابه دارد) و شمع‌های روشن می‌گذارند. سرشمع‌ها را نیز یک شاخه گُتار (سدر سبز) قرار می‌دهند و یک منقل پر از آتش را نیز می‌آورند و «عید» (عود) در آن دود می‌کنند. سپس زن واجد شرایط نماز، رو به قبله و در حالی که تمام این وسایل در جلوی اوست، دو رکعت نماز حضرت حجت (عج) و دو رکعت نماز حضرت امیر(ع) می‌خواند. زن‌های

دیگر هم با او نماز می‌خوانند. بعد از نماز متل (داستان) مرد گوی ره گش (خارکش) را با صدای بلند برای دیگران تعریف می‌کند و...<sup>(۱۷)</sup>

در جوامع سنتی کشاورزی، باران عامل استمرار حیات فردی و اجتماعی است و این به‌ویژه در جوامعی است که زراعت آنها بر پایه آب باران نباشد، ضمن آنکه اصلاً در ایران، کشاورزی بر این اساس است. از سوی دیگر، چون در بسیاری از مواقع، کشاورزان با بحران آب و خشکسالی‌های کوتاه مدت روبه‌رو بوده‌اند، باران همواره اهمیتی حیاتی داشته است. مردم نواحی مختلف کشور به هنگام وقوع خشکسالی‌ها، آیین‌های طلب باران را که اکثراً الگویی کلی دارند و معمولاً مبتنی بر دستورات شرع هستند، در بیرون از شهر برگزار می‌کنند و معمولاً نیز به خواندن نماز دسته جمعی می‌پردازند. از جمله این مراسم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در یکی از روستاهای تفرش اگر در فروردین و اردیبهشت باران نیارد، چند نفر ریش سفید به خانه ملای ده یا نزد پیشنماز می‌آیند، سپس همه به سمت خارج از آبادی می‌روند و قرآن می‌خوانند و صف می‌بندند و نماز جماعت برپا می‌کنند و سپس دعا می‌کنند که باران بیارد. در مراغه و بناب هم به هنگام خشکسالی مردم شهر به اتفاق علمای محل، پابره‌نه و الله‌اکبر گویان از شهر به بلندترین نقطه خارج از شهر حرکت می‌کنند، دو رکعت نماز می‌خوانند و دعا می‌کنند که باران بیارد.<sup>(۱۸)</sup>

یکی از آداب دینی مسلمانان و به‌ویژه شیعیان، زیارت است. ایرانیان به زیارت مقبره‌های ائمه و اولیا اهمیت بسیار می‌دهند. این زیارت‌ها نیز بیشتر با نذر و نیاز و نماز همراهند.

برای مثال، در ۲۰ کیلومتری سبزوار روستایی است که کوهی به نام کوه چهل دختر دارد. این کوه زیارتگاه مردم است و مردم برای رفع مشکلات خود به زیارت آن

می‌روند. مثلاً زنی که دختر دم‌بخت دارد، در آن زیارتگاه دو رکعت نماز مستحب می‌خواند و نقل و شیرینی و آجیل پخش می‌کند و حاجت خود را می‌گیرد.<sup>(۱۹)</sup>

در طول سال، بعضی از شب‌ها و روزها دارای اهمیت ویژه‌ای هستند و برخی مناسبت‌ها ممکن است روز یا شبی را دارای کیفیتی مخصوص گردانند؛ مثلاً تولد یا وفات یکی از ائمه، تحویل سال یا هر مناسبت دیگری که به علتی نزد عامه اهمیت می‌یابد. بسیاری از این روزها برای برآورده شدن حاجات انسانی مناسب‌تر هستند و به همین سبب آیین‌های مخصوص برای آنها در نظر گرفته شده است؛ آیین‌هایی که معمولاً با نماز یا متعلقات نماز مانند مسجد، مهر و وضو همراهند. برای نمونه، مردم شوشتر در تلاقی دو ماه رجب و شعبان آیینی دارند که عجب‌العجب نامیده می‌شود و شامل نماز و روزه است. این آیین به دختران و زنان اختصاص دارد و هدف از آن طلب حاجت و مراد است. ترتیب آیین از این قرار است که شب سی‌ام ماه رجب سحری می‌خورند و روز سی‌ام ماه رجب روزه می‌گیرند و شب اول ماه شعبان افطار می‌کنند. البته پیش از افطار دو رکعت نماز عجب‌العجب می‌خوانند و سپس افطار می‌کنند.<sup>(۲۰)</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## پی نوشت:

- \* مأخذ یا مأخذ اطلاعات منقول و راوی یا راویان عبارات در پایان هر فصل به ترتیب ذکر خواهند شد.
- ۱ - عمادی، سیدعباسعلی، ساری، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۲ - سرور، میرزا ماشاء...، نوقان مشهد، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۳ - طباطبایی، شکرالله، ممسنی، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۴ - هوری، حسین، دزفول، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۵ - اسماعیل نژاد، زهرا، شه میرزاد، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۶ - رفیعی، محمدیار، ایدنگ کهکیلویه، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۷ - خاصه خان دلخوشی، هوشنگ، لاهیجان، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۸ - قهرمان، اخترالدوله، نیشابور، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۹ - سرور، میرزا، شاداله، نوقان مشهد، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۱۰ - نقدی، عبدی محمد، مسجد سلیمان، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۱۱ - گلاب کشی، طیبه، دزفول، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۱۲ - یوسف زاده، سعیده، ارومیه، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۱۳ - کمشکی، منصور، بوشهر، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۱۴ - وفایی، زهره، تبریز، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۱۵ - مقیمیان، صدیقه، دامغان، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۱۶ - صالح آبادی، اصغرداگر، کاشان، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۱۷ - محب، طیبه، شوشتر، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۱۸ - سرآبادانی، یعقوب، مراغه، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۱۹ - احمدی، مجد، سبزوار، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.
  - ۲۰ - دانشمند، منظر، شوشتر، آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.